

کتاب‌هایی برای شناخت بیشتر امیرمؤمنان

ماه رمضان یرگتیش شب‌های قدر است؛ شب‌هایی که تو را بیشتر به امیرمؤمنان علی(ع) نزدیک می‌کند. در این گزارش به معرفی سه کتاب پرداختیم که شناخت مان را از علی(ع) بیشتر می‌کند.

■ **قدیس**



جمع‌آوری کتاب‌های خطی‌ها بر این باور هستند که همیشه عشق آدم را نجات می‌دهد و حالا ما در زمان با همین پدیده مواجه هستیم.

عشق کنییش به کتب خطی، او را به مردی تاجیک می‌رساند که می‌خواهد کتابش را بفروشد. اما همیشه در مسائلی که ارزش مادی داشته باشد، شیطنت هم وجود دارد.

مرد تاجیک از سوی یک عده جنایتکار کشته می‌شود و خانه کنییش هم مورد سرقت قرار می‌گیرد. این آغاز ماجرای است که در نهایت کنشیش را به مطالعه سرگذشت حضرت امیر(ع) علاقه‌مند می‌کند. کنییش مسیحی که در مسکو زندگی می‌کند، دوران کودکی و بخشی از زندگی‌اش را در بیروت گذرانده و اکنون نیز مجبور می‌شود برای حفظ جان خود به بیروت برود.

رمان کنایه‌های فراوانی دارد که حکام تالایق کشورهای عربی را نشانه می‌رود و درست آنها را ادامه حکومت بنی‌امیه و بنی عباس معرفی می‌کند.

در همین بساب گفت‌وگوهای خاصی هم بین شخصیت‌های داستان صورت می‌گیرد، به خصوص گفت‌وگوی خواندنی کنشیش و جرج جرداقی در مورد حکومت در اسلام. باوجود اینکه نویسنده از ترکیب خوبی برای روایت زمان حال و زمان تاریخی رمان استفاده کرده و یک راست روایت‌های اصلی را در پیش گرفته و کتابش را نوشته است، اما می‌توان اقرار کرد که داستان بسیار هوشمندانه از پیچ‌تاب‌های یک رمان پلیسی هم بهره برده و کلاً می‌توان گفت حاصل کار کتابی خواندنی و لذت‌بخش است.

در پایان رمان، جنایتکاران مسکو دستگیر می‌شوند و کنشیش با گنجی بزرگ در دل که در سفر بیروت یافته است به کشورش بازمی‌گردد و شاید عظمت همین گنج است که جابه‌جایی چمدان‌های او در فرودگاه را چندان مهم جلوه نمی‌دهد!

کتاب «قدیس» اثری است به قلم ابراهیم حسن بیگی که نشر نیسان آن را منتشر نموده است.

■ **فروغ ولایت**



کتاب فروغ ولایت اثری از آیت‌الله

شیخ جعفر سبحانی است که به سیره و روش حضرت امیر (ع) پرداخته است. نویسنده فرزانه، آیت‌الله جعفر سبحانی با تقسیم حیات نورانی حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به پنج دوره، مهم‌ترین جریان‌ات زندگی

ایشان را ترسیم کرده است.

ایشان در این اثر وزین سعی کرده سیر زندگی حضرت امیر(ع) را از طرفی گویا و روان حکایت کند و از دیگری سو کاملاً مبتنی بر منابع دست اول تاریخی و روانی باشد. نکته متمایز این اثر، جامعیت آن است که از همان آغاز زندگی حضرت تا شهادت

ایشان، تمام عرصه‌های زندگی ایشان را در کنار آیات و روایات مربوطه تشریح کرده و در هر مورد به تبیین بعدی از فضائل حضرت می‌پردازد.

البته رسالت اصلی این کتاب، ترسیم زندگی شخصی و عادی حضرت است که نویسنده به خوبی هم از عهده آن برآمده است. «فروغ ولایت» رامؤسسه امام صادق (ع) در ۸۶۰ صفحه منتشر کرده است.

■ **علی از زبان علی**

حکایت زندگانی یک شخص آن زمان جذابیت پیدا می‌کند و شناخت از یک انسان فراتر از یک آن زمان واقعی‌تر و به حقیقت نزدیک خواهد بود که از زبان خودش بیان شود.

استاد شهیدی، که یکی از پژوهشگران معاصر تاریخ اسلام است، با آثار غنی و پرمتحواپی که در این زمینه از خود به جای گذاشته، توانسته به یکی از ماندگارن مصر تبدیل شود.

وی در کتاب «علی از زبان علی» به روایت جذاب زندگانی امیرالمؤمنین علیه‌السلام از بیان خود حضر تشان پرداخته و برهه‌های گوناگون زندگانی ایشان را تشریح کرده است. این کتاب را انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی در ۲۰۸ صفحه منتشر و روانه بازار کتاب نموده است.



| روزنامه جوان | شماره ۵۱۱۴ | پنج‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۶ | ۲۰ رمضان ۱۴۲۸ | اذان ظهر: ۱۳:۰۵ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۲ | ۱۲۰۰مغرب:۲۰:۴۲ | نیمه‌شب‌شعرعی:۰۰:۱۲ | اذان‌صبح‌روا: ۰۰:۰۴ | طلوع آفتاب:۵:۴۸ | ۵۰

گزارشی از برنامه «ماه عسل»؛ کمی درباره آنچه که مخاطب تلویزیون نمی‌بیند

اینها خیلی متفاوتند



■ **محسن غلامی (قلعه‌سیدی)**

سیصد متری کنار اتوبان راه روی موسی ما تا به لوکیشن «ماه عسل» بر سسم. فضای اطراف سبزی است و توی این ماه رضانی، خنک خنک. حالا توی این مجموعه عریض و طویل چطور پیدایش کنیم، دکور برنامه را می‌گوییم.

■ **من و چند تا دشواری بامزه**

نگه‌بان دم فضای سبزی زیادی نوربالا می‌زند، مستش می‌روم، خوش و بشی می‌کنم. سؤال نکرده‌ام که چهار چشمی نگاهم می‌کند. قشنگ معلوم است خیالاتی توی سرش دارد. گفت: «کجا؟» گفتم: غلط کردم هیچ‌جا به خدا، می‌خواهی بر گردم. نمی‌دانی چش شد که غش کرد؛ او رفت. می‌گفت باید کارت ورود

به مجموعه را داشته باشی و اینها، فکر می‌کنم جو گیر بود. «آخه بنده خدا توی این مجتمع چندین کیلومتری من دربروم تو می‌خواهی یا این‌ها یکل خوش‌تراشت لاید مرا هم بگیري؟» سر به سرش می‌گذاشتم و به شوخی حرف می‌زدیم البته. تا تماس گرفتم، دو ثانیه نکشید که آرش ظلی پور آمد، می‌شناسیدش. رفیق و مجری خوش‌صدا. با تریپ اسپیورت و کاملاً راحت. راه افتادیم به سمت برنامه. آرش سر به سر رفیقش می‌گذارد. می‌گوید به اسم خانم غلامی آفیشت کرده‌اند. یادها! می‌خندند و خوش و بش می‌کنیم. هنوز یک دقیقه هم نرفته‌ایم که آرش ظلی پور آمد، می‌شناسیدش. رفیق و مجری و بقیه ماجرا. گپ و گفت‌شان با پیش زنده ادامه دارد.

■ **مراقبت همه چیز و همه کس**

جلوی علیخانی مانیتری کوچک تعبیه شده تا روی آن‌تد زنده مراقب دوربین‌ها باشد. دور سالن را با پارچه مشکی پوشانده‌اند تا فضا تاریک‌تر باشد. هر از چندگاهی برنامه قطع می‌شود برای آگهی و غیره. این وسط حتی به هم نیز گپیر می‌دهند تا به قول علیخانی همه چیز بهتر شود. امروز کمی تا حدودی بداخلاقی می‌کند، البته حق داره، باید حساس بود. گاه از سر صندلی با کورولو چرخ می‌توی سالن می‌زند. دوباره یکی از بچه‌ها با صدای بلند ثانیه‌شماری می‌کند و دوباره آنتن و همان چیزی که شمای مخاطب به طور مستقیم در قاب تلویزیون می‌بینید. آرش ظلی پور، هم در حال جواب دادن تماس‌های از طرف شبکه است و سرش توی گوش‌ی ولی‌خب همه‌جوره مراقب میهمان‌هاست؛ جواسش جمع است و تا سابقه اینها را درناپور ول کن نیست بنابراین احتیاط، تا خدای نکرده سوزه دست کسی ی‌کندند همه سعی می‌کنند حین پخش، سرشان

حکمت ۱۴

مَنْ سَيِّئَةُ الْاَفْرَبِ اَبِيحْ لَهْ الْاَبْعَدُ
کسی را که نزدیکش واگذارند، بیگانه او را پذیرای می‌گردد.

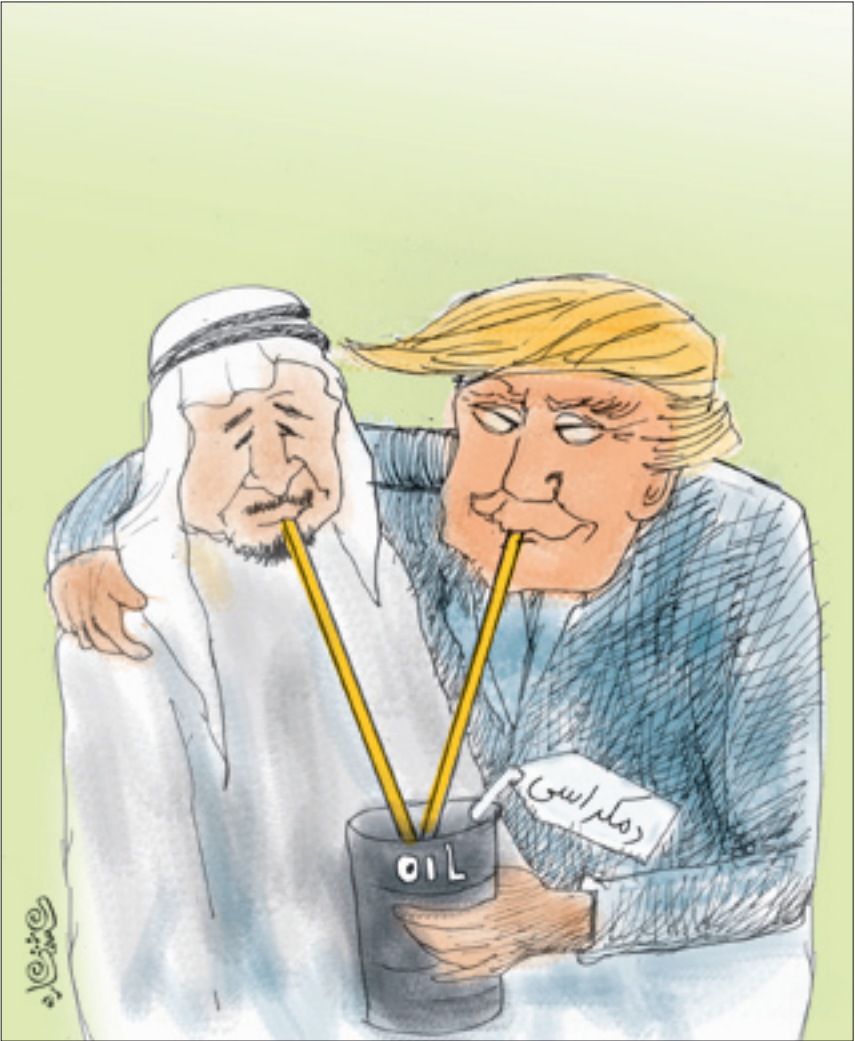
به کار خودشان باشد. تنها کسی که راه می‌رود عکاسی است که مدام فلش می‌زند و عکس‌ها را خالی می‌کند. همه موامل واقعا منظم‌اند و از این نظم محوطه کیف می‌کنی. از ماشین پارک شده توی سالن سال قبل و ظروف نشسته و... آنجا دیگر خبری نیست، امسال انصافاً فضا تر و تمیز است. همین است دیگر، سوزه برای شوخی کردن‌های نامی‌گذارند که کمی بیشتر سرشان غر بزнім.

■ **کمی متفاوت با چیزی که مردم می‌بینند**
تحملم قد نمی‌کنه، خراج می‌شوم. سرم را که بیرون برده می‌برم، تازه یاد می‌افتد که چیزی تا ازان نمانده. روی همان میزهای سفید حیاط، بساط افطاری را دارند پهن می‌کنند البته یک ربعی وقت هست. صدای لقل‌قل سماورها هم که به راه افتاده.

چند نفری از مشکی‌پوش‌ها مشغول بر کردن سفره هستند. با پنیر و سبزی و مخلفات دیگرش. صدای اذان نیامده، شکم گرسنه ما با دیدن اینها... توی اتلق کناری می‌روم. انگار لواخر برنامه هست و پلاتوی آخر چنددقیقه‌ای تا ازان مانده که بچه‌ها را باوقبت نزدیک است، هجو عبارت آتش در بیانیه‌ی میهمان‌ها. علیخانی البته سلفی‌اش را گرفته. بقیه این وسط ول‌کنش نیستند و دارند عکس می‌گیرند و ذوق می‌کنند. به لطف دوستان، تا بقیه دارند عکس می‌اندازند یا دور میزهای افطار جمع می‌شوند دوباره سراغ دکور خالی می‌روم، نیمچه قدمی و کنجکاوی همیشگی. اصلا اجازه عکس شخصی و فیلم و غیره را نیز نمی‌دهند. جانن را دوست داری اصلا نیاید دست به این حرکات بزنی!

باید دست مریزادی گفت به بچه‌های فیلمبرداری و جلوه‌ها که کارشان را بلندند. حالا چرا؟ قبلا هم گفته‌ام چیزی که مخاطب «ماه عسل» توی تلویزیون می‌بیند و دکوری که من اینجا جلوی چشمم قد کرده، با همه زحمتی که برایش کشیده‌اند اما واقعا متفاوت است. زرق و برقش را می‌گویم و عظمتی که در مانیتور تلویزیون چندبرابر جلوه می‌کند. به طزن ینوسم اینکه لاید همین نوشتن‌ها وقت‌کردن‌هاست که نمی‌گذارند داخل سوراخ سمبه‌های لوکیشن بروم مثلاً آن توتل نقلی امسال که مثل مژده‌شان گرم باکتر هستند و خوش‌ذوق. مگر تلویزیون جز این چه می‌خواهد. از آخر ماجرای دیروز هم بگویم. از سفره افطاری که پهن شد. همه در حال خوردن بودند جز میهمانان و خود علیخانی. همچنان گپ می‌زدند و امضا و افطار سر پایي با چایی و اینها. بر خلاف جدیت حین برنامه، از اوردوم می‌شد رفت سمتش. سلام و گپی و اینکه می‌گفت: «فقد منصفانه بکنید من با نوشتن‌ها اصلا مشکلی ندارم.» حرف زدنمان که تمام می‌شود، افطار مختصری می‌کنم به لطف رفقای جمع «ماه عسل». رفیق‌اند و صمیمی. بداخلاقی بین این همه عوامل نمی‌بینی. هر کسی به کارش آشناست. کمی در کار البته جدی‌اند برعکس ماها که به کتابه و طزن بهشان گپیر هم می‌دهیم. با آرش ظلی پور و روابط عمومی برنامه که به گرمی و باحوصله حواسش به ما بود. خودحافظی می‌کنم.

دم آخری از همان مسیر قبلی و از داخل تاریکی مجموعه برمی‌گردم و از دور سالن برنامه را دید می‌زنم. سفره افطاری‌شان گرم است و روشن. دور هم خوش‌اند نمای مثل مردمی که ساعتی را هرسب با این جماعت خوش می‌گذرانند.



حمایت از یک اثر ضد ملی با هجو عبارت آتش به اختیار

خود را به بی‌شعوری زدن در حمایت از فیلمی مسئله‌دار!

■ **جواد محرمی**

شواری موسوم به تهیه‌کنندگان سینما روز گذشته با صدور بیانیه‌ای که بیشتر بوی تفسیر به رأی عبارت «آتش به اختیار» از آن به مشام می‌رسد، به خیال خود از اکران نشدن یک فیلم بوم‌گرا، ضد ملی و هنجار شکن در برخی سالن‌های حوزه هنری اطلاع کرده است.

با وجود اینکه طی روزهای اخیر و پس از ایراد عبارت «آتش به اختیار» از سوی مقام معظم رهبری بسیاری از افراد و جریان‌های رسانه‌ای به تبیین دقیق این عبارت مبادرت کردند تا هر گونه سوءاستفاده و سوء برداشت از آن عبارت پشته شود اما برخی محافل و افراد ظاهر اوست می‌گویند برداشت‌های سطحی خود را بافضاسازی‌های کودکانه و ژورنالیستی غلبه‌بدهند. فراغ‌زاینکه اعتراض به آنچه این شورا تحریم حوزه هنری خوانده اساساً مقدر به واقعیت نزدیک است، هجو عبارت آتش به اختیار در بیانیه‌ی شورا شرم‌آور، موهن و غیرمسئولانه است و قطعاً نمی‌تواند نسبتی با شعور و عقلانیت در شورایی داشته باشد که علی‌القاعده انتظار می‌رود جمعی فرهیخته در آن حاضر باشند. معلوم نیست عبارت آتش به اختیار دقیقاً از چه جنبه‌ای اعضای این شورا را نگران کرده و چرا انازاحتی ایشان را موجب شده که سیاست استهزا را دستاویز خود قرار داده‌است. در بیانیه‌ی این شورا آمده: «بر لیبیک به فرمان مقام معظم رهبری که احداث مرا در قبال ناھنجاری‌های فرهنگ انقلاب خود، را مکلف به صدور بیانیه کرده‌است که این بیانیه نهاداعلام می‌دارد و در مقابل چنین رویه‌ای از شورای صنفی نمایش مصرانه خواهان است تا دست کم به‌طور نمادین تعدادی از سالن‌های نمایش حوزه هنری را تا زمان اصلاح رفتار آن نهاد، کلاً، از سینمای ایران محروم کند تا لاقلاً مدیران حوزه‌هنری طعم تلخ محرومیت برای ازمانی کوتاه بچشند»

شواری تهیه‌کنندگان خوب است به این پرسش پاسخ بگویند که پیش از این دقیقاًنسبت به کدام یک‌از فراخوان‌های رهبر معظم انقلاب خود، را مکلف به صدور بیانیه کرده‌است که این بار دوم باشد؟! اگر دغدغه‌های فرهنگی رهبر انقلاب مورد اعتنای مدیران دست‌اندر کاران اصلی خاصه تهیه‌کنندگان سینمای ایران بود که وضع سینمای کشور این نبود و سالانه شاهد تولید انبوهی از آثار ناھنجار شکن، ضد خانواده‌می‌بازرزش و ضعیف از جیب ملت نبودیم، شواری عالی تهیه‌کنندگان بهتر است به جای سوء، استفاده و مصادره به مطلوب کلام رهبر انقلاب و حمایت از آثار ضعیف سینما فکری به حال وضعیت ناھنجار سینمای ایران بکنند. چه اتفاقی افتاده که به

پیشنهادهای دولت‌های عربی برای به دست آوردن نفیس‌ترین قرآن نمایشگاه

نفیس‌ترین قرآن جهان اسلام ۸ میلیون دلار قیمت گذاری شد



عباس کریمی

نفیس‌ترین قرآن کتابت شده در جهان اسلام در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم ۸ میلیون دلار قیمت گذاری شد.
مهراد جان‌فزا یکی از سرمایه‌گذاران پروژه نفیس‌ترین قرآن جهان اسلام که نگارش و هنر آن ۱۸ سال به طول انجامید، در مورد قیمت گذاری قرآن گفت: این قرآن سال گذشته برای اولین بار در بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رونمایی شد. این قرآن ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. وی در این خصوص افزود: در راستای معرفی این قرآن به عنوان سفیر فرهنگی -هنری ایران از سال گذشته تا به حال تلاش‌هایی شده که نمایانگر ویژگی‌های فرهنگی هنری کشورمان برای سراسر جهان باشد اما متأسفانه مشکلاتی وجود داشته و آنطور که انتظار داشتیم مسئولان محترم آنطور که شایسته این قرآن است از آن حمایت نکردند. جان‌فزا اشاره به توجه بیشتر دیگر کشورها به این قرآن به ویژه کشورهای عربی افزود: ما از کشورهای مختلف درخواست‌های زیادی داشته‌ایم که می‌خواستند با قرآن از خارج بی بیشتر مخاطب و رجوع‌کننده داشته‌ایم. این کتاب پیشینه‌های خوبی مبلغ ۸ میلیون دلار برای خرید کشورهای عربی داشته‌اند ولی ما شخصاً دوست داریم این قرآن در همین جا و در کشور خودمان بماند.

جان‌فزایبان کرد: به‌رغم قرآن‌های نفیسی که از دیگر هنرمندان